

محمدعلی ساغالانی و جعفر کاویان

(از مبارزان و آزادیخواهان برجسته آذربایجانی)

نوشته قدرت ابوالحسنی سهلان

(۱) مقدمه

محمدعلی ساغالانی (ساغالانی محمدعلی / محمدعلی سهلانی)، مشهور به علی دایی، از مبارزان برجسته آذربایجانی دوره مشروطیت و از یاران نزدیک ستارخان بوده است که در بحث دوم در مورد آن مبارز بیشتر گفته خواهد شد. حتی نقش علی دایی در مبارزات آزادیخواهانه مشروطه، در رمان تاریخی ستارخان نوشته عباس پناهی ماکویی، بعنوان رهبر فکری مشروطیت و بارور کننده شخصیت ستارخان منعکس گشته است. علی سهلانی رمان ستارخان، احتمالاً در ذهن آشنایان به تاریخ آن عصر، علی مسیوی تبریزی را مجسم بنماید، ولی علاوه بر ساغالانی دانستن که در مورد اصالت اهل آن روستا داشتن مسیو تاکنون مطلبی دیده یا شنیده نشده، استفاده از لقب دایی به جای مسیو موید محمدعلی بودن این مبارز شاخص است. به کتب تاریخی دوران مشروطه نیز مراجعه شده است که آنها بیشتر علی مسیو را رهبر مرکز غیبی تبریز و یکی از رهبران فکری اصلی مشروطیت ذکر نموده اند. با وجود این، با توجه به آشنایی و ارتباط پناهی ماکویی با جعفر کاویان پسر کوچک محمدعلی که در پاراگراف بعدی با او بیشتر آشنا خواهید شد، جریاناتی از رمان او میتوانند از کاویان یا دیگران شنیده شده، منعکس کننده اتفاقات تاریخی دوران مشروطیت و نقش بسیار بارز داشتن محمدعلی باشند. گفتنی است، دوران مشروطه عصری جهانی بوده که در آن حکومت‌های سنتی شاهنشاهی مطلق با قیام‌های مشروطه خواهانه و آزادیخواهانه سقوط کرده، جایشان را به سیستم‌های سلطنت مشروطه و حاکمیت قانون میسپردند که این دوران در ایران، مصادف با اواخر سلسله قاجار میباشد. ولی در این کشور حاکمیت قانون به سرانجام نرسیده، بلکه پس از سقوط قاجار یک شاهنشاهی مطلق دیگر توسط رضاخان (رضاشاه/پهلوی اول) با کمک انگلیسیها بنام پهلوی سال ۱۳۰۴ ایجاد گردیده و تا سال ۱۳۵۷ و بیش از نیم قرن دوام داشته است. در مبحث دوم همچنین، سندی تاریخی در باره زندگانی محمدعلی ساغالانی و اطلاعاتی در مورد اقوام و خویشاوندان او ارائه میگردند. علاوه بر محمدعلی و پسر بزرگش بنام اسرافیل خان که عکسی از آنها در کنار ستارخان، باقرخان و دیگر مجاهدان مشروطه چی منتشر گشته، در دوران مشروطیت لاقلاً سه نفر ساغالانی دیگر در بین مجاهدان ستارخان حضور داشته اند، به آنها هم اشاراتی شده است.

جعفر کاویان (محمدزاده)، پسر کوچک محمدعلی ساغالانی بوده، در خانه آن مبارز مشروطه رشد یافته بود. او هم، از فرماندهان جنبش‌های خیابانی و لاهوتی و نیز از مبارزان شاخص بر علیه استبداد و خودکامگی رضاخان در دوره پهلوی اول بوده است که در بحث سوم با عنوان جعفر کاویان از آزادیخواهان برجسته دوره رضاخان و وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان به مبارزات و زندگانی وی هم پرداخته گشته است. کاویان بدلیل فعالیت‌هایش در آن دوره،

از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ حدود هفت سال در زندان قصر قاجار تهران زندانی شده بود و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۱۶ به‌مراه خانواده به زنجان (زنگان) تبعید گشته، تا ۱۳۲۰ بمدت چهار سال تحت نظارت مامورین حکومتی در تبعید زندگی می‌کرده است. بعد از سقوط رضاخان در شهریور پرحادثه سال ۱۳۲۰، آزادی نسبی در فضای ایران حاکم گشته، تشکیلات شکل گرفته، فعالیت مینمایند. کاویان هم با پیشه وری، دکتر جاوید، شبستری و پادگان حزب فرقه دموکرات آذربایجان را تاسیس میکنند و فرقه دموکرات به رهبری سیدجعفر پیشه وری در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ با صدور بیانیه ای تاریخی، اعلام موجودیت مینماید. پس از موفقیت و حاکم شدن فرقه دموکرات در آذربایجان به مرکزیت شهر تبریز در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ هم، ژنرال کاویان وزیر جنگ حکومت خودمختار به ریاست پیشه وری تعیین میگردد. شایان ذکر است، در آن برهه حساس تاریخی، پیشه وری در تبریز حمایت شوروی با حاکمیت روسها (ابرقدرت شرق) و پهلوی دوم محمدرضاشاه در تهران حمایت آمریکا (ابرقدرت غرب) را داشته اند و با توافقات پشت پرده دو ابرقدرت آنزمان و خیانت روسها، فرقه دموکرات به نفع شاه قربانی شده، بیش از یک سال دوام نیاورده است.

تحت قیمومیت ملت دیگر رفتن و حقوق برابر خواهی برای ترکها با فارسهای حاکم ایران در دوران فرقه دموکرات آذربایجان، رویه ای قابل ستایش و فراموش نشدنی در تاریخ سیاسی آذربایجان بوده است. رسمیت دادن به زبان ترکی در حکومت فرقه دموکرات در منطقه اکثریت مطلق ترک نشین آذربایجان، کار درخشان و بی نظیری بوده که در هیچکدام از حرکات ضد استبدادی و آزادیخواهانه پس از مشروطیت ترکان در ایران مشاهده نشده است. بدین خاطر، عنوان چند سند ترکی در مورد ژنرال جعفر کاویان مناسب تشخیص داده شده، تیترا قسمت چهارم مقاله گشته است. رسمیت زبان مادری ترکی، تلاش در جهت شکوفایی حیطة مورد حاکمیت و دفاع از منافع سرزمین آذربایجان، نشانه های بارز ملی بودن حکومت فرقه دموکرات هستند و ایجاد و سازماندهی قشون ملی به ریاست ژنرال کاویان نیز در همین راستا بوده است. در قسمت چهارم همچنین، به ترک ستیزیها و ترکی زدائیهای حکومتهای تهران بعد از رضاخان اشاراتی میشود که در این باره تاکنون اسناد تاریخی زیادی منتشر شده اند. بعلاوه، در مورد جنایات فرهنگی و سوزاندن کتابهای ترکی پس از سقوط حکومت ملی توسط عمال پهلوی دوم مطالبی در آن بحث هست.

اسناد تاریخی و اشکال مباحث چهارم و پنجم و همچنین برخی اطلاعات این مقاله، از کانال یا وبلاگ دکتر میرهدایت سیدمرندی، مورخ مرندی، اخذ گشته اند. مورخ مرندی هم آنها را، از مارکس آخرین فرزند در قید حیات ژنرال کاویان دریافت داشته است. مارکس کاویانی که ساکن باکو پایتخت جمهوری آذربایجان و معلمی بازنشسته بوده و در دهه های آخر عمر خود جهت دیدن اقوام خود و کارهای دیگرش در فصل تابستان به ایران مسافرتها تقریباً سالیانه ای داشت. مرحوم مارکس، از اسناد و اشیای تاریخی ارزشمند پدر و فرقه دموکرات آذربایجان بدقت محافظت کرده و جهت رساندن آن اسناد قیمتی به موزه آزادی باکو، تاریخ نگاران و رسانه های دو سوی ارس (آراز) تلاشهای زیادی نموده بود. در بحث پنجم تحت عنوان دیدارهای مارکس کاویان و دکتر میرهدایت

سیدمرندی، نامبردگان معرفی مختصری خواهند گردید و به ملاقاتهای متعدد آنها در دو شهر مرند و باکو اشاراتی شده است.

بحث ششم و پایانی این مقاله، مطالعات و تحقیقات اختصاصی مرتبط با دو مبارز ساغالانی میباشد. نگارنده نیز، دیداری با مارکس شهریورماه سال ۱۳۹۱ در روستای تازه کند از همسایگان ساغالان داشته، به آن پرداخته میشود. بعلاوه، اطلاعات تکمیلی بیشتری در مورد ژنرال کاویان، از مصاحبه مارکس با رادیو آزادی باکو به مناسبت هفتاد سالگی ۲۱ آذر تحت عنوان چهره پنهان ۲۱ آذر، جعفر کاویان، ارائه خواهد گردید. در انتها هم، نوشته چند خاطره مردم از جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان که قبلا منتشر شده بود، با افزودن توضیحات بیشتر دوباره ارائه گشته است.

نهایت اینکه، قبل از رفتن به سراغ مباحث اصلی، جهت روشن کردن موضوعات مهمی ذکر نکاتی چند در مقدمه ضروری میباشد:

نکته ۱: مقاله ای با عنوان ژنرال جعفر محمدزاده، در صفحات ۱۰۷ تا ۱۱۱ کتاب ژنرالهای آذربایجان (آذربایجان ژئوگرافی) به قلم شمیستان نظیرلی، چاپ باکو در سال ۱۹۹۱ میلادی درج گشته است که در آن کتاب از آذربایجان این سوی ارس فقط به زندگانی ژنرال کاویان پرداخته شده است. نوشته نظیرلی در مورد کاویان، با اضافات و تصحیحاتی سال ۲۰۱۵ در سایت یادادوشدو هم منتشر گشته است. مقاله مذکور، حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی در باره دو آزادیخواه مورد بحث میباشد و از معلومات آن در اینجا استفاده گردیده است.

نکته ۲: مارکس که در این مقاله زیاد از او نام برده گشته، پس از متلاشی شدن شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، اسم خود را به مقصود تغییر داده بود، ولی بدلیل مشهور بودنش با مارکس، این نام بکار رفته است.

نکته ۳: نام خانوادگی جعفر کاویان، گاهی به شکل کاویانی نیز ثبت شده است. در صورت مشاهده این شکل، بصورت اصلی کاویان تبدیل گشته است. ممدزاده ها هم، با املای درست محمدزاده ثبت شده اند.

نکته ۴: نام کتابی و فارسیزه سهلان و نیز نامیده بومی ساوالان هر دو به روستایی اشاره میکنند که توسط چهار مقاله نشان داده شده، نام اصلی آنجا ساغالان است. آخرین مقاله از مقالات یاد شده نیز، با عنوان ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته به قلم نویسنده این نوشتار میباشد که در ماهنامه خداآفرین چاپ شده و در آنجا بقیه مقالات را هم میتوان یافت. از اینرو، در صورت اشاره به این روستا با کلمات سهلان یا ساوالان، در متن نام اصلی آنجا یعنی ساغالان نگاشته گشته است.

نکته ۵: محل تولد و دوره کودکی جعفر کاویان، ساغالان بوده است، نه شهر تبریز که در برخی نوشته ها مشاهده میگردد. منزل محل زندگی او و پدرش در روستا از ساغالانیان تحقیق شده، در مبحث آخر این مقاله آمده است.

۲) محمدعلی ساغالانی از مبارزان برجسته آذربایجانی دوره مشروطیت

محمدعلی ساغالانی (ساغالانی محمدعلی /محمدعلی سهلانی)، مشهور به علی دایی، از مبارزان برجسته آذربایجانی دوره مشروطیت و از یاران نزدیک ستارخان بوده است. همانطوریکه در مبحث ششم نکته دوم آمده، مارکس عکس محمدعلی ساغالانی و اسرافیل خان پسرش را دوشادوش هم و کنار ستارخان، باقرخان و دیگر مجاهدان در موبایلش نشان داده، شناسانده بود. نگارنده هم، آن عکس شماره گذاری گشته ستارخان با ۱ و باقرخان با ۲ را از اینترنت یافته، پس از شماره گذاری محمدعلی ساغالانی و اسرافیل خان با ۳ و ۴، از طریق پست الکترونیکی تایید دو باره مارکس را نیز گرفته بود و آنگاه، آنرا در فضای مجازی انتشار داده بود. بعلاوه عکس، تیرماه سال ۱۳۹۵ در ویژه نامه ساغالان ائل بیلیمی تبریز بعنوان معرفی اشخاص مهمی از آن روستا چاپ گشته است. عکس موصوف، مطابق توضیحات مقاله کتاب ژنرالهای آذربایجان، بعد از جریانات فتح تهران و افتادن حکومت بدست مشروطه چیان و دعوت از مجاهدان تبریزی و استقبال باشکوه از آنها در مرکز، تاریخ ۱۵ آوریل سال ۱۹۱۰ میلادی (۱۲۸۹/۱/۲۵ شمسی / ۱۳۲۸/۴/۵ قمری) از مجاهدان در آنشهر گرفته شده است. عکس یاد شده با کیفیت بهتر را از سایت تاریخ معاصر ایران یافته و بدلیل اهمیت زیادش در اینجا نیز، مطابق شکل ۱ با شماره گذاری روی کلاه مبارزان نامبرده آورده ایم. در مقاله کتاب ژنرالها همچنین، اسرافیل خان از هم‌زمان حیدر عمواغلی قید گشته است.



شکل ۱: محمدعلی ساغالانی (۳) و اسرافیل خان (۴) در کنار ستارخان (۱)، باقرخان (۲) و دیگر مجاهدان مشروطه چي، تهران، تاريخ ۲۵ فروردین ۱۲۸۹ شمسی

محمدعلی ساغالانی با خانواده اش، در سنینی که فرزندان از جمله اسرافیل و جعفر هم داشته، از منزل نشان داده شده در شکل ۱۴، به محله امیرخیز (امیره قیز) تبریز کوچ نموده بود. محله ای که در آن برهه حساس تاریخی مشروطیت، ستارخان قره داغی مشهورترین مبارز جنبش مشروطه ایران هم در آن زندگی میکرده است. این برهه حساس تاریخی، به جهت تاثیرش در افتادن حاکمیت هزارسال ایران از ترکها به دست فارسها با ظهور رضاخان حائز اهمیت بسیار میباشد و از این نگاه میتوان گفت، مشروطه طلبان آذربایجانی با سرکردگی ستارخان و باقرخان با حکومتهای ترک به نفع فارسها، نبرد و مجاهدت نموده اند. با وجود این نتیجه، استبداد ستیزی، آزادیخواهی و عدالت طلبی امثال ستارخان، باقرخان، محمدعلی ساغالانی و دیگر همزمانشان بدون تردید قابل ستایش است.

نقش محمدعلی ساغالانی در مبارزات مشروطه حتی، در رمان تاریخی ستارخان نوشته شده به زبان ترکی آذربایجانی توسط عباس پناهی ماکویی و انتشار یافته در باکو، فوق العاده برجسته منعکس گردیده است. عباس پناهی نویسنده آن رمان، خود از مشروطه چیان بوده و تقریباً حدود چهل سال بعد هم عضو فرقه دموکرات آذربایجان شده است. پناهی از نویسندگانی میباشد که مجبور به ترک وطن و رفتن به آن سمت ارس پس از شکست فرقه در سال ۱۳۲۵ گشته است. به هر حال، برای مطالعه و بررسی نقش محمدعلی ساغالانی در مبارزات آزادیخواهانه مشروطیت، به ترجمه فارسی رمان ستارخان مزبور به مترجمی غلام خاتون مراجعه شده است. در این رمان، شخصیت مورد اشاره با نامهای علی سهلانی و علی دایی معرفی شده و نقش آن مبارز فوق العاده برجسته، رهبر فکری مشروطیت و بارور کننده شخصیت ستارخان منعکس گشته است. برای درک بهتر موضوع یاد شده، دو پاراگراف زیر را به دقت مطالعه نمایید که عیناً از صفحات ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۸ رمان ستارخان انتخاب شده اند:

... حاجی علی روی به حاضیرین کرد و گفت: آقایان، قبل از اینکه وارد بحث جلسه امروز شویم خبر خوشی برایتان دارم. از طرف هموطنانمان که در باکو هستند، مرد خوشنام و مشهوری که میتواند کمک شایانی به انقلابمان بکند، وارد تبریز شده است. این مرد علی سهلانی است. بعد نگاهش را به اتاق مجاور چرخاند و با همان لحن: - پسر! علی دایی را صدا کن. (صفحات ۱۲۶ و ۱۲۵)

... همین که جوش و خروش حاضیرین فرو نشست، علی دایی برای آخرین بار رشته سخن را بدست گرفت و یادآوری کرد که دهقانان نیز نباید در این حرکت مردمی فراموش شوند. او گفت دهقانان بیش از همه قشرهای دیگر از بیدادگریهای دستگاه شاه نفرت دارند. به همین جهت در روستاها هم باید فعالیتهای گسترده ای انجام گیرد. همین دهقانان غارت شده بیگمان سربازان وفادار برای سازمان انقلابی ما خواهند بود. پیوند دادن نیروهای انقلابی روستا با یکدیگر و رهبری آنها کاریست ظریف که هدایت آن بدست مرد صالح و آشنا به امور رزمی سپرده شود. چه کسی بهتر از ستارخان که پیش از این امتحانش را در بسیج و هدایت مردم نشان داده است. علی دایی گفت در این باره ستارخان را کمک خواهد کرد. او به گفته خود عمل کرد و با رهنمودهای بجا و سازنده اش،

ستارخان جوشان و تند و زود از کوره در رو را به رهبری با وقار و با حوصله و دوراندیش بدل نمود. نقش علی دایی در باوری ستارخان فراموش نشدنی است. (صفحه ۱۲۸)

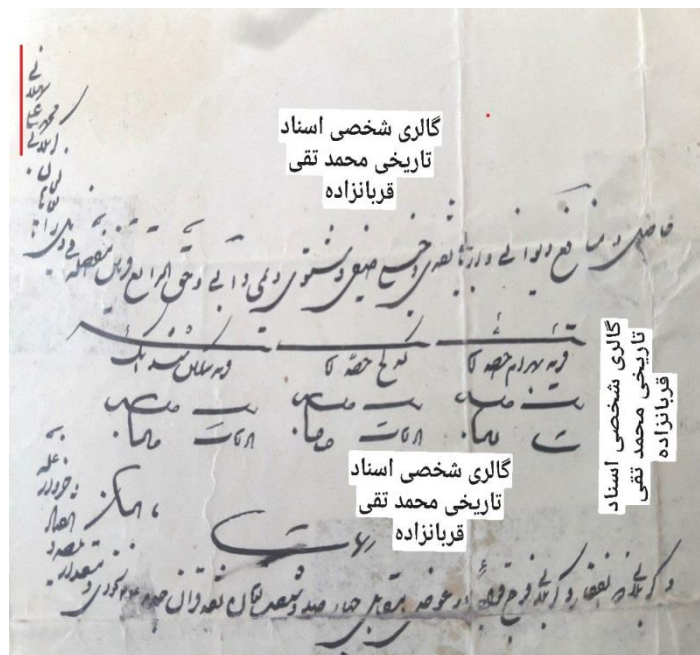
ما، جهت مطالعه و تحقیق نقش محمدعلی ساغالانی در مبارزات مشروطه، به کتابهای تاریخی در دسترس دوران مشروطیت هم مراجعه نموده ایم. در کتاب قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران نوشته مهندس کریم طاهرزاده بهزاد که خود از اعضای تشکیلات مرکز غیبی تبریز بوده، در فصل هجدهم به شرح حال عده ای از خدمتگذاران مشروطیت ایران در آذربایجان پرداخته، ولی در بین آنها نام محمدعلی ساغالانی مشاهده نمیگردد. همچنین، در کتب تاریخی مانند تاریخ هجده ساله آذربایجان و تاریخ مشروطیت ایران آثار مشهور احمد کسروی، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز نوشته محمدباقر ویجویه، مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام تبریزی تالیف ثقه الاسلام، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت نوشته مهدی مجتهدی و علی مسیو (رهبر مرکز غیبی تبریز) تالیف صمد سرداری نیا اسم این مبارز دیده نمیشود. نیز، در مقاله علی مسیو (یکی از قویترین رهبران سیاسی انقلاب مشروطه و رهبر مرکز غیبی تبریز) به قلم آقای رضا همراز از محققان شناخته شده تبریزی و منتشر شده در نشریه مهتمدن تبریز، یادی از ساغالانی نیست.

نتیجه اینکه، در کتابهای تاریخی تاکنون مطالعه شده، بیشتر نام علی مسیوی تبریزی فوق العاده برجسته مشاهده میشود و تاکنون هم سندی مبنی بر اصلیت ساغالانی داشتن او مشاهده نگردیده است. ولی، با توجه به آشنایی و ارتباط پناهی ماکویی با جعفر کاویان جریاناتی از رمان او میتوانند، از کاویان یا دیگران شنیده شده، منعکس کننده اتفاقات تاریخی دوران مشروطیت و نقش بسیار بارز داشتن محمدعلی باشند. مثلاً، سخنان پاراگراف دوم علی دایی که خود از میان روستاییان برخاسته و آنها را میشناخته، در تاکید به نقش دهقانان در انقلاب مشروطیت میتواند از جریانات تاریخی نشأت گرفته باشد. شمیستان نظیرلی نویسنده کتاب ژنرالهای آذربایجان هم، از محمدعلی بعنوان یکی از مجاهدان شناخته شده ستارخان و مشاور حرکات سری انقلابی نام برده است. بنابر این احتمال میرود، محمدعلی ساغالانی از رهبران فکری مشروطیت و همچنین از اعضای مرکز غیبی تبریز نیز بوده باشد.

مطابق معلومات مقاله کتاب ژنرالهای آذربایجان، پس از خواباندن حرکات آزادیخواهانه ستارخان توسط مرتجعین ایران در تهران، محمدعلی ساغالانی هم گرفتار و زندانی گشته بود و بعد از آزادی از حبس، به سبب شکنجه های کشیده شده پس از مدت کوتاهی وفات یافته بود. بسیار نیز بجاست در همین جا، در باره نحوه پایان دادن به حرکات آزادیخواهانه ستارخان و بعنوان درسی تاریخی و عبرت آموز از انقلاب مشروطیت، توضیحات کوتاهی ارائه گردد. همانطوریکه در بالا هم اشاره ای شد، پس از فتح تهران و افتادن حکومت بدست مشروطه چیان، مجاهدان تبریزی به سرکردگی ستارخان و باقرخان را به تهران دعوت نموده، اوایل سال ۱۲۸۹ از آنها استقبال باشکوهی مینمایند. مجلس مشروطه، از ستارخان و باقرخان تجلیل کرده، به القاب سردار و سالار آنها کلمه ملی را اضافه مینماید. اما همان مجلس، پس از مدت کمی و هنگام حضور آن مجاهدان آذربایجانی در تهران، قانون خلع سلاح را تصویب مینماید و مطابق قانون تازه تصویبی، از مجاهدان آذربایجانی میخواهند که آنها هم اسلحه شان را تسلیم

حکومت نمایند. اما، مجاهدان اینرا نمیپذیرند. در نهایت به تاریخ ۱۲۸۹/۵/۱۵ شمسی (۱۳۲۸/۸/۱ قمری)، نیروهای حکومتی با فرماندهی بی‌رم خان ارمنی، به مجاهدان آذربایجان که در پیروزی نهضت مشروطه ایران بیشترین نقش را داشتند، حملات ناجوانمردانه نموده، آنها را در پارک اتابک تهران قلع و قمع مینمایند. ستارخان خودش نیز، در فاجعه پارک اتابک مورد اصابت گلوله بی‌رم خان قرار گرفته زخمی میشود و بعد از چند سال بر اثر آن زخم در تهران وفات مییابد. گفته میشود، دعوت از مجاهدان تبریزی به تهران با نیت خلع سلاح و کنترل آنها توسط دولت مشروطه بوده است.

ما، در جستجوی اسناد تاریخی از زندگانی محمدعلی ساغالانی هم بوده ایم که در این مورد، گالری اسناد تاریخی آقای محمدتقی قربانزاده، فعال فرهنگی و مدیر کانال قاراجابایجان، جالب توجه میباشد. به گفته قربانزاده، آرشیوش شامل صدها سند تاریخی راجع به گذشته محالشان قاراجابان یا قاراجالی (قرجلو) واقع در حدود بیست کیلومتری شهر مرند واقع بر سر راه خوی میباشد و اسناد از اهالی روستاهای قاراجا محمد (قراجه محمد) که فعال فرهنگی اهل آنجاست، قاراجا فیض الله (قراجه فضل الله)، یالقیز آغاچ و غیره گردآوری گشته اند. قرار است، در آینده اسناد مذکور یکجا در کتابی انتشار یابند. نامبرده میگوید، در آرشیوش در بیش از ده سند نام محمدعلی ساغالانی و جعفر کاویان ذکر شده است و اسامی مذکور در اسنادی هست که از خویشاوندان کاویان که در روستاهای مذکور بالا زندگی میکنند، گرفته شده اند. به گفته قربانزاده، عقدنامه محمدعلی ساغالانی با زیورخانم بنت نورالله کندلجی به تاریخ عقد ۱۳۰۱ قمری هم در بین اسنادش موجود است. اما فعلا فقط، سند شکل ۲ قابل انتشار بوده، در کانال قاراجابایجان نیز منتشر شده است و تاریخ آن سند مربوط به سال ۱۳۱۹ هجری قمری میباشد. نام کربلایی محمدعلی سهلانی در سند زیرش خط کشیده شده، مشخصتر گردیده است. قابل ذکر میباشد، مرحوم مارکس موقع آمدن به دیدار خویشاوندان خود به روستاهای این منطقه نیز میرفته است. طبق نوشته های قربانزاده، خاله های جعفر کاویان در آن محال زندگی کرده اند و مارکس با خانواده های ذاکری، گودرزی، روزخون و داورنیا از قاراجا محمد، خانواده های رضایی و شکرزاده قاراجا فیض الله و همچنین خانواده های دیندار، چاووش باشی، مهدوی و یوسف زاده از یالقیز آغاچ پسرخاله محسوب میشده است. از خویشاوندان مارکس میتوان، به مرحوم محمدعلی ذاکری قراجه محمد اشاره نمود که بیش از یکصدسال زندگی کرده بود و مدتی لقب کهنسال ترین طرفدار تیم فوتبال پر تماشاگر تراکتور تبریز را داشته است، تیم فوتبالی که در این زمانه هویت خواهی و عدالت طلبی ترکان در ایران را هم نمایندگی مینماید.



شکل ۲: مرند، قاراجا محمد، آرشیو اسناد محمدتقی قربانزاده، سال ۱۳۱۹ قمری

بازخوانی سند فوق، بصورت زیر بوده که توسط آقای قربانزاده انجام شده است:

"حاصل و منافع دیوانی و اربابی و نقدی و جنسی و صیفی و شتوی و دیمی و آبی و حق المراتع قریتین مفصله فی ذیل را به عالیجاهان کربلایی محمدعلی سهلانی قریه بهرام حصه کندلج قریه بنگین ششدانگ و کربلای ذوالفقار و کربلای فرج قراجه در عوض مقابل چهارصد و شصت تومان نقد قران جدید ۲۴ نخودی و مقدار یکصد و هفتاد خروار غله"

هر سه روستای ذکر شده سند بالا، متعلق به شهرستان مرند هستند و همانطوریکه گفته شد، این سند یکی از بیش ده سندی است که در آرشیو قربانزاده راجع به محمدعلی و کاویان موجود میباشند.

اطلاعات بسیار کمی، از زندگانی محمدعلی ساغالانی در دسترس هستند. طبق شنیده ها برای ما معلوم گشته، اسم پدرش باقر بوده است. برادرانی بنامهای مهدی و یاور داشته است. دو خواهر هم داشته، اسم یکی معصومه (همسر رحمان و مادر حاجی کاظم جمالی نژاد سهلان از طایفه حاجی صادیقلی) و دیگری نامعلوم (همسر محمود بی و مادر اکبر حاتمی تازه کند از طایفه جاوادلی) میباشد. همسر او، زیور از اهالی روستای کندلج (کوللو) بوده و فرزندان با اسامی اسرافیل، جعفر و غیره نیز داشته است

محمدعلی ساغالانی و طبیعتا فرزندان اسرافیل خان و جعفر کاویان، از سوی پدری با معلومات بدست آمده تاکنون، به نظر میرسد از طایفه حاج صادیقلی ساغالان باشند. همانطوریکه در مقدمه گفته شد، کاویان در زمان رضاشاه چهار سال به شهر زنجان تبعید شده بود. به گفته آقای محمد مشیری، از افراد کهنسال ساغالان، در

سالهای تبعید کاویان از روستایشان تنها حاجی کاظم جمالی نژاد از طایفه حاجی صادیقلی که در پاراگراف قبل به او اشاره شد، به ملاقات او رفته بوده است. در ساغالانی که طایفه بر هر چیز دیگر ارجحیت داشته، جامعه آن بر نیتابیده، کسی از طایفه ای دیگر به ملاقات فرد گرفتار آنها در صدها کیلومتر فاصله برود و خودشان نرفته در روستا بمانند! این دلیل جامعه شناختی میرساند، جعفر کاویان قاعدتا بایستی از حاجی صادیقلیها باشد. هر چند، کاویان پسر دایی کاظم نیز بوده است. همچنین، محمدعلی و فرزندانش در منزلی زندگی کرده اند که محل تجمع حاجی صادیقلیها آن طرفه‌است. علیرغم این نظر، برخی از اهالی آن روستا، آزادیخواهان مورد بحث را از طایفه جاودالی میدانند و البته اگر معلوم گردد، محمدعلی از نواده گان حاتم خان ریشه جاودالیها بوده، در این مورد دیگر نیاز به آوردن دلیل دیگر باقی نخواهد ماند.

در خاتمه این قسمت گفتنی است، در دوران مشروطیت از روستای ساغالان، لااقل پنج مجاهد در بین مبارزان ستارخان حضور داشته اند. محمدعلی ساغالانی و اسرافیل خان که در مورد هویت آنها مطالبی گفته شد، بعلاوه سه مجاهد زیر:

الف) جبار مشهور به نایب جبار، فرزند مشدعبدالعلی و برادر کلبه غافار (کربلایی غفار انصاری) کدخدای مشهور ساغالان، از طایفه روستملی.

ب) ابوالقاسم مشهور به نایب ابوالقاسم، فرزند اسماعیل و پدر بزرگ قاسم جهانی مشهور به ده ده قاسیم، از طایفه جعفرآلی.

ج) ذوالفقار، فرزند جواد و پدر مشهدی حسین عمیدی سهلان، از طایفه جاودالی. حسین عمیدی هم، در دوران حیاتش مدتها کدخدای ساغالان بوده است.

۳) جعفر کاویان از آزادیخواهان برجسته دوره رضاخان و وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان

کشور ایران (ممالک محروسه ایران)، از مملکتها یا ایالتهای مختلفی که هر کدام دارای زبانها و فرهنگهای خاص خود هستند، شکل گرفته است. در تاریخ روشن بعد از اسلام حکومت های هزار ساله سلسله های ترک بر ایران، به این تکرار توجه شده بود و ممالک، شبیه فدرالیسمهای کنونی، خود مدیریتی اداره گشته بوده اند. اما، پس از انقراض سلسله قاجار آخرین سلسله ترک تبار، رضاخان (رضاشاه/پهلوی اول) با کمک انگلیسیها در ایران به قدرت رسیده، سلسله پهلوی را در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۴ بنیان گذاری میکند و از آن به بعد کشور ممالک محروسه بصورت متمرکز با حاکمیت فارسها از تهران اداره میگردد. پهلوی اول، با زور حکومتی و اجرای سیاستهای یکسان سازی شوونیستی زبانی به از بین تکثرها و تنوع های طبیعی مبادرت میورزد و دیکتاتوری و استبداد را در ایران حاکم مینماید. ستایش ناسیونالیسم ارتجاعی فارسگرا روال حکومتی پهلوی میشود و تاریخ سازی برای فارسها و تبلیغ آنها به عنوان

یک قوم برگزیده کذایی آغاز و دیگر ملتها و اقوام بویژه ترکان و عربها مورد تمسخر و تحقیر واقع شده، بیگانه تلقی میگردند. تحمیل زبان و فرهنگ فارسی، تحت لفافه زبان و فرهنگ رسمی به ملتها و اقوام دیگر از جمله ترکان (آذربایجان، قشقای، ترکمن و غیره که لااقل چهل درصد جمعیت کشور را شامل میشوند)، از سیاستهای بارز حاکمیت رضاخان در این کشور کثیرالمله بوده است. در مورد ترک ستیزیها و ترکی زدائیهای رضاخان، تاکنون اسناد رسمی زیادی برای مثال در کانال تلگرامی تورک کیتابخاناسی (@Turkkitabxanasi) متعلق به محقق و مولف آذربایجانی آقای علی طارمی منتشر شده است. بعنوان نمونه ای از اسناد مذکور، پرونده اسناد کمیسیون جغرافیایی فرهنگستان اول (دوره رضاشاه پهلوی)، شامل ۱۶۰ برگ سند محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در آن کانال هست و کمیسیون جغرافیایی مذکور یکی از کمیسیونهای فرهنگستان اول پهلوی اول میباشد که عمده ترین وظیفه آن تغییر نامهای جغرافیایی و تبدیل اسم خاصهای ترکی و غیره به فارسی، بخاطر هویت تراشی فارسی برای مکانهاست. همچنین میتوان گفت، سیاستهای آسیملاسیون، طرد و تحقیر ترکان و فضای خفقان در دوران رضاخان، علت اصلی ظهور و موفقیت فرقه مردمی دموکرات آذربایجان در دهه ۱۳۲۰ پس از سقوط آن شاه بوده است.

جعفر کاویان (محمدزاده)، پسر کوچک محمدعلی ساغالانی بوده، در خانه آن مبارز مشروطه رشد یافته بود. همانطوری هم که در مطلب ترکی با عنوان خلق قوشونلاری وزیر آقای کاویان روزنامه آذربایجان در شکل ۳ آمده، کاویان، از فرماندهان جنبشهای خیابانی و لاهوتی و نیز از مبارزان شاخص بر علیه استبداد و خودکامگی رضاخان در دوره پهلوی اول بوده است. او، مانند بیشتر آزادیخواهان آذربایجانی آن عصر این سمت ارس، تمایلات کمونیستی داشته است و طبق سندی که در کانال مرندیم دکتر سیدمرندی انتشار یافته، عضو حزب کمونیست ایران نیز بوده است. در سند مذکور خود کاویان اذعان میدارد که از اولین کنگره حزب کمونیست در ایران عضو و فعال بوده است. کاویان به دلیل فعالیتهايش در زمان رضاخان، در سال ۱۳۰۹ دستگیر گشته و حدود هفت سال تا ۱۳۱۶ در زندان قصر قاجار تهران زندانی شده بود و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۱۶ به حکم قاضی با خانواده به زنجان تبعید گشته و چهار سال هم تا سال ۱۳۲۰ در آن شهر تحت نظارت مامورین رضاخانی زندگی میکرد است.

اما، پس از برکناری و سقوط رضاخان توسط آورندگان (انگلیسی ها) و تبعید او از ایران در شهریور پر حادثه سال ۱۳۲۰، آزادی نسبی در فضای ایران حاکم شده، کم کم تشکیلات شکل گرفته، فعالیت مینمایند. جعفر کاویان هم با سیدجعفر جوادزاده (پیشه وری)، دکتر سلامالله جاوید، میرزاعلی شبستری و صادق پادگان حزب فرقه دموکرات آذربایجان را تاسیس میکنند و فرقه دموکرات به رهبری سیدجعفر پیشه وری در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ با صدور بیانیه تاریخی ۱۲ ماده ای که از حقوق آذربایجانیان دفاع میکرده اعلام موجودیت مینماید. جهت دیدن نمونه ای از فعالیتهای کاویان در فرقه دموکرات هم، به سند شکل ۵ رجوع نمایید که دستور پیشه وری به وی مبنی بر تشکیل شعبات فرقه دموکرات در شهرهای مهم خوی، ماکو، مرند، سلماس و اورمیه میباشد. سند مذکور نشان میدهد، نقش کاویان در شکل گیری و سازماندهی اعضای فرقه دموکرات آذربایجان و بالطبع در موفقیت و حاکم شدن آن

در تاریخ ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ بسیار مهم بوده است. پس از حاکم شدن فرقه دموکرات در آذربایجان به مرکزیت تبریز در تاریخ یاد شده نیز، ژنرال کاویان وزیر جنگ (خلق قوشونلاری وزیر) حکومت ملی آذربایجان (آذربایجان میللی حکومتی) کابینه پیشه وری تعیین می‌گردد.

در رابطه با هویت و مبارزات آزادیخواهانه جعفر کاویان، دو سند تاریخی مهم دست اول زیر که هر دو مربوط به دوران حکومت ملی آذربایجان هستند، مطالعه شده و جالب توجه می‌باشند:

الف) در دوران فرقه دموکرات آذربایجان، روزنامه ای بنام آذربایجان در تبریز چاپ می‌شده و در آن دوران افکار فرقه را منعکس می‌کرده است. در شماره ۸۲ و تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ میلادی (۲۹ آذر ۱۳۲۴) روزنامه مذکور، مطلبی تحت عنوان وزیر جنگ آقای جعفر کاویان (خلق قوشونلاری وزیر آقای جعفر کاویان) درج گشته است و در آن به گذشته وزیر جنگ پرداخته شده است. در این مطلب، به محمدعلی ساغالانی بودن پدر کاویان اشاره شده، از مبارزات محمدعلی در کنار ستارخان ذکری گردیده و یادی از اشتراک اسرافیل خان در مبارزات استبداد ستیزانه مشروطه نیز شده است. شکل ۳، تصویر صفحه مزبور روزنامه آذربایجان را نشان می‌دهد و در ستون سمت راست، نوشته ای به زبان ترکی تحت عنوان یاد شده مشاهده می‌گردد.

آقای جعفر کاویان مرحوم خیابانینین قیامیندا میلی گارد دسته لرینین بیر گوروهانیندا فرماندهلیک ائتمیشدیر. او زمان شیخین دؤرد فرماندهی وار ایدی کی، اونلارین ان فعاللاریندان بیریده آقای کاویان ایدی.

قیام قورتاردیقدان سونرا بیر موددت تبریزدن فراری اولور. کاویان ۳-۴ ایلدن سونرا تکرار تبریزه قاییدیر و فهله فرقه سینی یارادیر کی، تکامل گونده لیگیده اونون اورگانی اولور.

لاهوتی واقعه سینده آقای کاویانی یئنی دن سیاسی جریانه قوشولوب آقای دوکتر جاوید ایله بیرلیکده لاهوتینی تبریزه چاغیریلار. لاهوتی شهره گیردیکدن سونرا آقای کاویان و دوکتور جاوید سیلاحلاری اله کئچیریب اسلحه لری دقیقجه پارتیزان دسته لرینه داغیدیلار.

دوققوز گون بوتون شهرین امنیتینی قوروماق و پارتیزان دسته لرینه باشچیلیق ائتمک آقای کاویانه تاپشیریلیر. لاهوتینین غفلتن قاجماسی آقای کاویان و دکتر جاویدی موضطرب ائتمه ییر. اونلار دیکتله باشچیلیق ائتدیگی دسته نی مودافیعه ائتمکده گئجه شهری ترک ائدیرلر. موجهیدلریمیز شهردن چیخدیقدان سونرا مرند ه گئدیب آقای بورهانینین ائوینده قالیرلار.

مرندده آقای کاویانا ایراندا قالمق تاپشیریغی وئریلیر. آقای دوکتور جاوید و باشقا یولداشلاری ایسه آرزادان او یانا کئچیرلر. آقای کاویان اؤز ایشینی یئرینه یئتیردیکدن سونرا جولفایا گئدیر و اورادا ژاندارملار طرفیندن دوستاقلانیر. آز مودت سونرا مهارتله دوستاقدان قاجیر.

کاویان ۱۳۰۵- جی ایل شمسیده تبریزده "ایجتماعیون عامیون" فرقه سینی گوجلندیریر. لاکین دؤولت مامولارینین تعقیبی اوزوندن اؤز فعالیتینه دوام ائتدیره بیلمه ییب پولیس طرفیندن توتوقلانیر.

آقای کاویان حبس اولدوقدان سونرا ۷ ایل تکلیفسیز تبریز و تهران زبندانلاریندا قالیر. نهایت، حربی محکمه آقای کاویانی اؤز عایيله سی ایله بیرلیکده تبریز شهریندن زجانا سورگون اولور. اورادا پولیس نظارتی آلتیندا ساخلانیلیر.

آقای کاویان شهرپور حادثه سینه قدر زجاندا سورگون حیاتی یاشایردی. شهرپور حادثه سیندن سونرا آقای کاویان یورغونلوق و قورخو بیلمه دن آقای پیشه وری ایله بیرلیکده سیاسی فعالیتیه باشلایب ان آغیر گونلرده قوخورلو حادثه لردن جان قاجیرمیردی. خالقیمیز آقای کاویانین بؤیوک خیدمتلرین نظرده آلاق میلی مجلسیمیزه نوماینده سئچمکله اونو میلی حکومتیمیزین خالق قوشونلاری وزیر تعیین ائتمیشدیر.

آقای کاویانین فعالیتینه، وطن و خالقینه اولان صداقتینه امین اولماقلا بیز آذربایجان گونده لیینین تحربه هیئتی طرفیندن آقای کاویانا جان ساغلیغی و بؤیوک باشاریلار آرزو ایدیریک. مؤحسن "

در نوشته ترکی فوق، سال تولد کاویان ۱۲۷۹ ذکر شده است. زادگاهش نیز شهر تبریز نوشته شده که نادرست است. همچنین آنجا، به شرکت فعال و نقش فرمانده داشتن کاویان در مبارزات شیخ محمد خیابانی و ابوالقاسم لاهوتی اشاراتی شده است.

ب) بحران آذربایجان (۱۳۲۵-۱۳۲۴ شمسی) (خاطرات مرحوم آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی کتابی است که به کوشش رسول جعفریان در سال ۱۳۸۱ چاپ گردیده است و حاوی خاطرات عبدالله مجتهدی میباشد که در زمان حکومت فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز حضور داشته و اتفاقات آن دوره حساس را از نزدیک رصد کرده و روزانه نگاشته است. همانطوریکه، در پاراگراف آخر صفحه ۲۹۸ کتاب مزبور با مستطیل در شکل ۴ مشخص گردیده و موضوع در باره به ریاست نظمیہ گماردن کاویان میباشد، مجتهدی کفایت و شجاعت ژنرال کاویان را میستاید و اهل محل و روستای ساغالان (سهلان) بودنش را هم ذکر مینماید.

پنجشنبه ۳۰ خرداد

افتتاح بانک آذربایجان یک موفقیت برای حکومت ملی و یک موفقیت شخص برای آقای فروغ شده است. امروز همه جا صحبت در اطراف کیفیت جریان افتتاح بانک بود. مرتجعین هم یعنی آنهایی که دستی در این نهضت نداشته‌اند، تأسیس بانک را تصویب می‌نمایند؛ چون اهل تبریز نوعاً مردمی تجارت‌مآب و طبعاً مایل به داد و ستد می‌باشند. هر چیزی که مربوط به عالم تجارت باشد آن را جدی تلقی می‌نمایند. اهمیتی را که به بانک آذربایجان می‌دهند، خیلی بیشتر از اهمیتی است که به تأسیس دارالفنون ملی آذربایجان قائل شده‌اند.

روزنامه آذربایجان که امروز منتشر گردید، تفصیل افتتاح بانک را طولانی شرح نداده بود. آن قسمت از نطق آقای پیشه‌وری را درج نموده بود که به خیالش برای صدور از دهن یک مرد سیاسی و رهبر فرقه لیاقت دارد؛ و اتفاقاً آن قسمتی را که حذف نموده بود، بیشتر قابل توجه بوده است. روزنامه آذربایجان در نطق آقای فروغ هم دخل و تصرف نموده و قسمت‌های جالب توجه آن را درج نکرده بود. نطق‌های صدقیانی و مهندس کلانتری را کلیتاً حذف نموده بود.

با وجود اینکه هفته دوم از انعقاد قرارداد مابین تبریز و طهران داخل شده است، باز در صورت ظاهر قضایا و جریان کارها تفاوتی حاصل نگردیده است. بلکه می‌توان گفت که بلا تکلیفی مردم نسبت به قبل از قرارداد بیشتر هم شده است. دکتر سلام الله جاوید که به استناداری آذربایجان معین شده است، هنوز در طهران متوقف است. در اینجا خیلی از مراجعات مردم را به آمدن وی تعلیق می‌نمایند.

معروف است که دکتر مهناش که در حکومت ملی وزارت فلاح را داشت، در تغییر و تبدیلی‌های جدید به فرمانداری تبریز معین و ژنرال جعفر کاویان که وزیر جنگ حکومت ملی بود، به ریاست نظمیہ تبریز در نظر گرفته شده است. بعضی تغییرات در پست‌های مأمورین حکومت ملی را هم ذکر می‌کنند که هیچ کدام آنها رسماً تأیید نگردیده است. از همه اینها، تعیین شدن آقای جعفر کاویان به ریاست نظمیہ به نظر مناسب‌تر می‌آید. هم با شغل سابق خود که وزارت جنگ بود مناسب دارد و هم شخصاً آدم با کفایت و شجاع می‌باشد. علاوه بر آن اهل محل است و محل مأموریت خود تبریز و اهل آن را تا اندازه می‌شناسد. وی از اهل سهلان که دهی در غرب تبریز است، می‌باشد.

شکل ۴: بحران آذربایجان (۱۳۲۵-۱۳۲۴ ش) خاطرات میرزا عبدالله مجتهدی، سال ۱۳۸۱

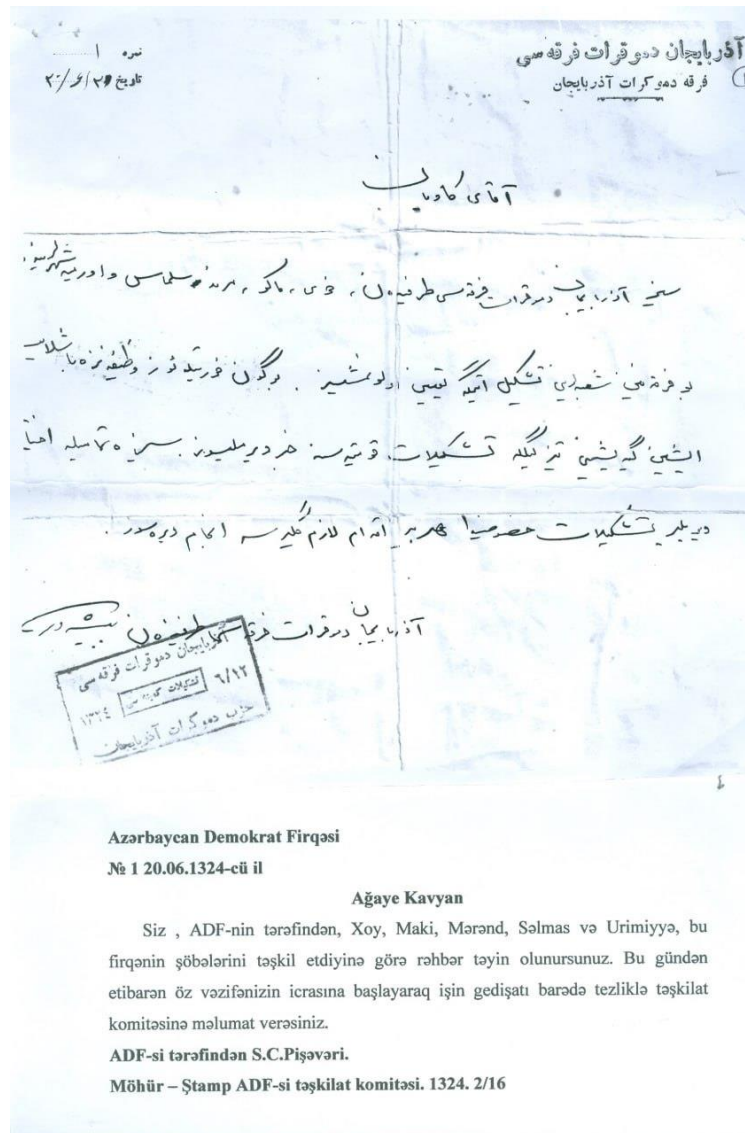
در رابطه با زندگی شخصی جعفر کاویان، نوشته تحقیقی تحت عنوان ژنرال جعفر کاویان به قلم دکتر میرهدایت سیدمرندی در وبلاگ مرندیم انتشار یافته است. در آن نوشته قید شده است که کاویان در سال ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۵ شمسی) به نخجوان فرستاده شده بود تا بعنوان مربی به دوزلاق برود. نامبرده در دوزلاق، بعنوان رئیس (همکارلار اتفاقی) مشغول بکار میگردد و در آنجا با سکینه خانم آشنا شده و ازدواج مینماید. کاوه فرزند اول کاویان، سال ۱۳۰۶ شمسی در باکو متولد میگردد. او بعداً به ایران آمده، صاحب پنج فرزند دیگر نیز میشود. البته، کاویان به غیر از زن نخجوانی خود با یک خانم اهل شهر رشت بنام شمسی نیز ازدواج میکند که از او صاحب فرزندی نميگردد. فرزندان کاویان و سکینه که سه پسر و سه دختر میباشند، به ترتیب تولد عبارتند از: (۱) کاوه، متولد باکو، ۱۳۰۶ شمسی (۲) پوران، متولد تبریز، ۱۳۰۸ (۳) ملاحظت، متولد تبریز، ۱۳۱۰ (۴) مارکس (مقصود)، متولد زنجان، ۱۳۱۶ (۵) مائیسه، متولد زنجان، ۱۳۲۱ (۶) اسرافیل، متولد نخجوان، ۱۳۲۶.

مطابق نوشته دکتر سیدمرندی، ژنرال کاویان، موقعی که حکومت فرقه دموکرات آذربایجان با خیانت روسها شکست میخورد، با گرفتن دستور مستقیم از استالین توسط ژنرال آتاکیشی یف، او نیز به همراه خانواده هشت نفره خود به نخجوان میروند و چند روزی در خانه اقربا اقامت مینماید. با در نظر گرفتن محرومیت‌های حاصل از جنگ جهانی دوم اما، او برای اقامت به خانه رئیس دادگاه نخجوان فرستاده میشود و پس از بیست روز ماندن در خانه رئیس دادگاه، به منطقه مردکان باکو و قصبه رازین فرستاده میگردد. ژنرال کاویان تا آخر عمر در این قصبه در منزلی که میرجعفر باقروف داده بود زندگی مینماید و در سال ۱۳۵۳ در آنجا وفات یافته، به خاک سپرده میشود.

(۴) چند سند ترکی در مورد ژنرال جعفر کاویان

در کشور چند زبانه ای مانند ایران، نایستی فقط یک زبان (فارسی) رسمی و تحمیلی گردد و زبانه‌های دیگر ملت‌های ساکن در این کشور از جمله زبان ترکی را به حاشیه رانده، کمر به قتل آنها بست. کاری که توسط حکومت‌های ایران پس از رضاخان در یکصد سال اخیر مرسوم بوده است، البته به غیر از یکسال حکومت ملی آذربایجان. در این باره میتوان گفت، حقوق برابر خواهی با فارسه‌های حاکم و همچنین خدمات حکومت ملی به رهبری پیشه‌وری در آن یکسال حاکمیت جالب توجه و قابل تحسین میباشد. بعنوان نمونه ای از خدمات فرقه دموکرات آذربایجان هم، تاسیس دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۵ میباشد که در ایران تاریخ آن را جعل کرده، سال ۱۳۲۶ نگاشته و آنرا به محمدرضاشاه انتساب میدهند!! همان شاه دیکتاتوری که دشمنی مشابه پدرش رضاخان با ترکان داشته است و تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۲۵ روز از بردن حکومت ملی خودمختار آذربایجان و گرفتن اختیارات تصیم‌گیری از آذربایجانیان را با توسل به کشتار و آوارگی دهها هزار انسان بیگناه، روز نجات آذربایجان نامگذاری نموده بود!! به هر حال، چند سند به زبان ترکی در مورد ژنرال جعفر کاویان جهت مشاهده رسمی بودن زبان مادری در آن سال‌های خاص استقرار حکومت ملی در این مبحث ارائه میگردد.

سند ترکی شکل ۵، دستور پیشه وری به جعفر کاویان، با عنون آقای کاویان به تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۴ مبنی بر تشکیل شعبات فرقه دموکرات در شهرهای خوی، ماکو، مرند، سلماس و اورمیه میباشد که در مورد اهمیت این سند در بحث قبلی نکاتی ذکر گردید.



شکل ۵: دستور پیشه وری به جعفر کاویان مبنی تشکیل شعبات فرقه دموکرات آذربایجان در شهرهای خوی، ماکو، مرند، سلماس و اورمیه، تاریخ ۱۳۲۴/۶/۲۰ (تاریخ در سند اصلی از راست نوشته شده)

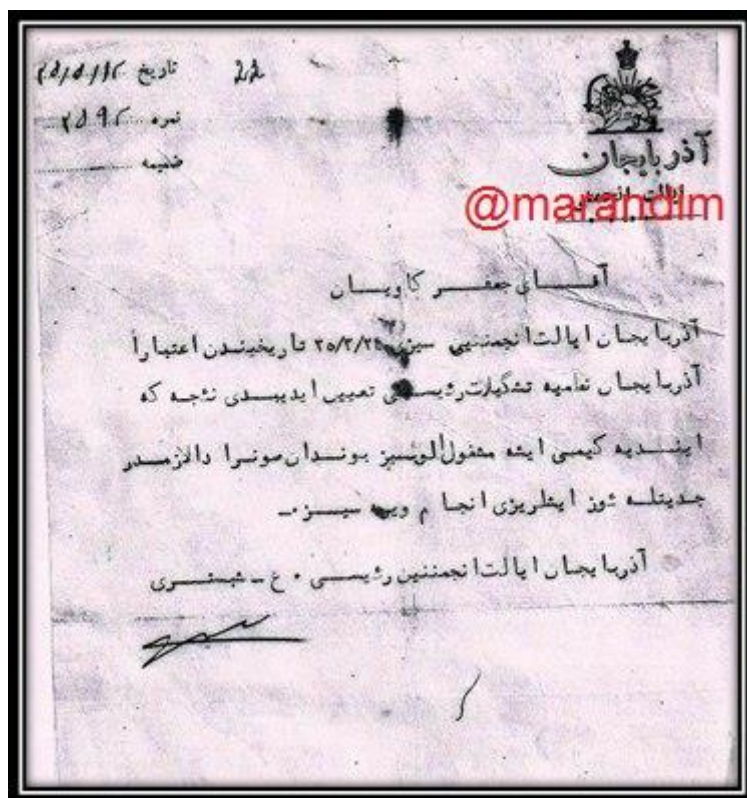
سند ترکی شکل ۶، بر روی فرمهای وزارت جنگ حکومت ملی (خلق قوشونلار وزیرلیگی) نوشته شده است. با عنوان یادگار دوستی خلل ناپذیر (ساسیلماز دوستلیق یادگاری)، در رابطه با اهدای تابلو قالیچه ای با زمینه قرمز که شعار زنده باد فرمانده کل شوروی مارشال استالین در آن بافته شده، به ژنرال آتاکیشی یف فرمانده ارتش شوروی

در آذربایجان میباشد و با امضای آذربایجان خلق قوشونلاری وزیرلی وزیرلی کاویان میباشد. این سند به روشنی، روابط دوستانه فرقه دموکرات با شوروی را نشان میدهد.



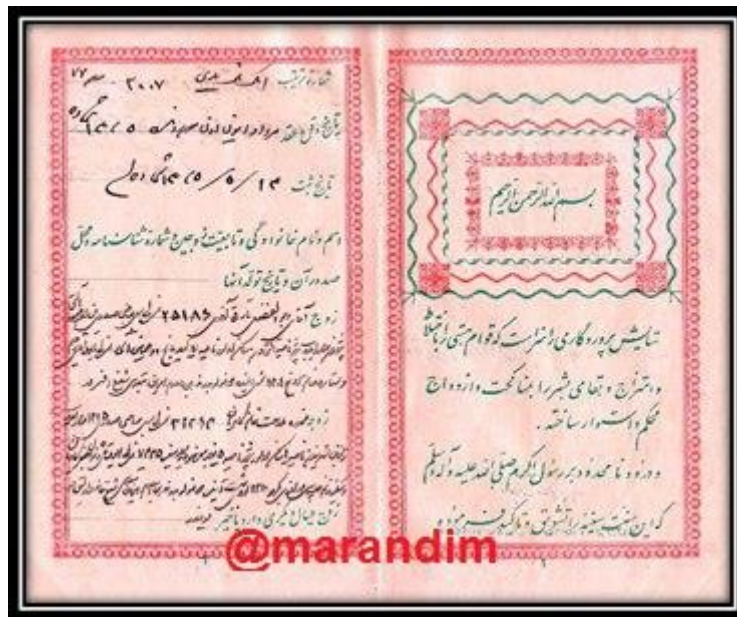
شکل ۶: اهدای تابلوقالیچه به آتاکیشی یف توسط ژنرال کاویان، تاریخ ۱۳۲۵/۲/۹

سند ترکی شکل ۷، در فرمهای ایالت انجمن آذربایجان نوشته شده و در رابطه با انتصاب جعفر کاویان به ریاست نیروی نظامیه در ۱۲ مرداد ۱۳۲۵ با امضای شبستری میباشد که این موضوع در قسمت سوم و نوشته های عبدالله مجتهدی هم انعکاس یافته بود.



شکل ۷: انتصاب کاویان به ریاست نیروی نظمیه، تاریخ ۱۳۲۵/۵/۱۲

سند ترکی شکل ۸ نیز، صفحه اول از سند ازدواج به ترکی نگاشته شده ملاحظت دومین دختر کاویان با آقای ابوالفضل بارقی آذری به تاریخ ثبت ۱۳۲۴/۵/۱۴ میباشد. در صفحه شهود این سند که آنهم در کانال مرندیم انتشار یافته، نام اکبر حاتمی تازه کند هم به چشم میخورد که فرزند محمود بی و پدر بزرگ حاجی محرم بوده که در بحث آخر در موردش بیشتر گفته خواهد شد. همچنین اصل این سند ازدواج، پیش دکتر سیدمرندی میباشد.

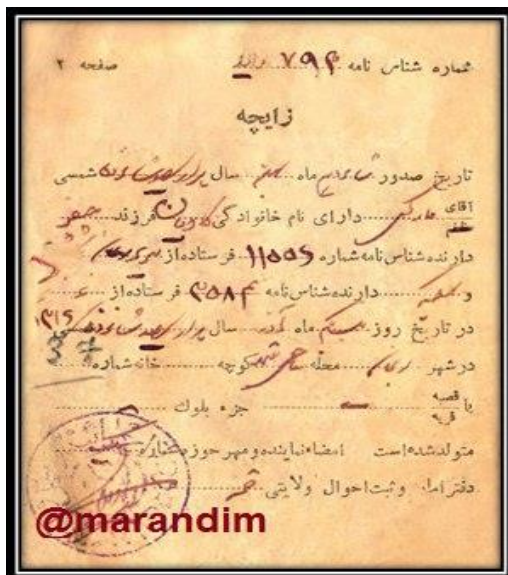


شکل ۸: تصویری از سند ازدواج به ترکی، ازدواج ملاحت دختر کاویان با آقای ابوالفضل بارقی آذری، تاریخ ثبت

۱۳۲۴/۵/۱۴

شایان ذکر است، پس از پایان کار حکومت ملی آذربایجان، کتابهای به زبان ترکی نگاشته، از قبیل کتب چاپ شده فرقه برای مدارس و دانشگاهها، توسط عمال محمدرضا شاه به آتش کشیده شدند! رژیم پهلوی حتی، تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۲۵ (۲۳ محرم ۱۳۶۶ قمری/ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۶ میلادی) را برای این جنایات فرهنگی خود اختصاص داده بود. موضوعی که در روزنامه اطلاعات به تاریخ روز بعد چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۲۵ نیز درج گشته است و داخل مستطیل در شکل ۹، با نام تلگراف نماینده مخصوص ما از تبریز، کتابهایی که به زبان ترکی بود سوخته شد، نشان داده شده است. سندی که به وضوح گویای عمل عاملین آن میباشد.

مشخصات شناسنامه ای او از قبیل شماره شناسنامه ۷۹۳، تاریخ صدور شانزدهم بهمن ۱۳۱۶، نام مارکس، نام خانودگی کاویان، فرزند جعفر، تاریخ تولد ۲۱ آذر ۱۳۱۶، محل تولد شهر زنجان و غیره خوانا میباشند.



شکل ۱۰: صفحه ۲ شناسنامه قدیمی مارکس کاویان

دکتر میرهدایت سیدمرندی هم، مطابق با بیوگرافی منتشر گشته در وبلاگ و کانالش، متولد شهریور سال ۱۳۳۲ در شهر مرند میباشد و دکترای تاریخ دارد. دکتر سیدمرندی، در مورد تاریخ مرند و موضوعات مورد علاقه اش آثار گرانقدری دارد و کتابهای منتشر شده از او تاکنون عبارتند از: کتاب جامع نگاهی به تاریخ مرند، سال ۱۳۸۷، مرند قدیم به روایت تصویر و سند، سال ۱۳۹۱، دو مجموعه داستانی کوتاه ترکی به نامهای آپاردی ستلر سارانی و ساری گلین، سال ۱۳۹۲، مجموعه کاریکاتورهای چاپ شده با عنوان سه نقطه، سال ۱۳۹۴، گذر زمان در مرند، سال ۱۳۹۷، مجموعه داستان کوتاه قیرمیزی به زبان ترکی، سال ۱۳۹۹ و سفرنامه نخجوان و باکو، سال ۱۳۹۹.

دکتر سیدمرندی، با استفاده از اسناد تاریخی در دسترس قرار گرفته از طرف مارکس، در مورد زندگانی جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دمکرات آذربایجان نیز بیشترین تحقیقات را انجام داده، در کتابهای تاریخی خود و فضای مجازی انتشار داده است. برای مثال، سند حکم ژنرال کاویان به ریاست قوای نظمیه در سال ۱۳۲۵ که در شکل ۷ نشان داده شده، در کتاب جامع گذر زمان در مرند نامبرده چاپ گردیده است. همچنین، درخواست استعفا از مسئولیت ریاست قشون توسط کاویان به تاریخ ۱۳۲۵/۵/۲۲ در آن کتاب منتشر شده است و در کانال مرندیم نیز هست. بعلاوه، مورخ تاکنون بیش از یکصد پست (اعم از سند تاریخی، عکس و نوشته) در باره حکومت ملی آذربایجان و اغلب هم راجع به جعفر کاویان در کانال مرندیم پست کرده، در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار

داده است. عکس شکل ۱۱، به زمان ملاقات دکتر سیدمرندی و مارکس در آنسوی ارس و محله نریمانوف باکو در سال ۱۳۹۸ میباشد و نامبردگان بر سر مزار ژنرال جعفر کاویان حضور دارند.



شکل ۱۱: باکو، محله نریمانوف، مارکس کاویان (چپ) و دکتر میرهدایت سیدمرندی (راست)، مزار جعفر کاویان،

سال ۱۳۹۸

همینطور عکس شکل ۱۲، مربوط به هنگام دیدار فرزند وزیر با مورخ مذکور سال ۱۳۹۰ و هنگام صحبتشان در شهر مرند است.



شکل ۱۲: مرند، مارکس کاویان (چپ) و دکتر میرهدایت سیدمرندی (راست)، سال ۱۳۹۰

مطابق با نوشته دکتر سیدمرندی در کانال مرندیم، در ۱۴ فروردین ۱۳۹۴ مراسمی به مناسبت ۱۲۰ سالگی تولد ژنرال جعفر کاویان در موزه آزادی (آزادلیق موزه سی) باکو برگزار گردیده و وسایل کم نظیر اهدائی خانواده ژنرال کاویان در ویتترینهای شیک به تماشای عموم گذاشته شده بود. در میان این اشیا وسایلی بوده، از جمله شمشیر ژنرال درخشانی فرمانده نظامی تبریز که در موقع واگذاری تبریز و آذربایجان به فرقه دموکرات به ژنرال کاویان تسلیم شده بود، به همراه، مدال های ۲۱ آذر و ستارخان ژنرال کاویان ، لباسهای نظامی او و اسناد کم نظیر تاریخی از وقایع پرتنش سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵. همچنین، دو جلد از کتابهای دکتر سیدمرندی بنامهای مرند قدیم و نگاهی به تاریخ مرند به تماشا گذاشته گشته بود. تصویر شکل ۱۳ نمونه عکسی از آن مراسم است که عکسهایی از کاویان، آرامگاه وی، کتابهای مرند قدیم و نگاهی به تاریخ مرند تالیفات دکتر سیدمرندی و غیره در تصویر مشخص هستند.



شکل ۱۳: باکو، موزه آزادی، تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱۴

لازم به ذکر است، با تلاشهای زیاد مارکس، اشیا و اسناد قیمتی ژنرال جعفر کاویان مانند سند مشاهده شده شکل ۶، پس از نمایش اولیه، جهت نگهداری به موزه آزادی باکو تحویل دائمی شده و الان در آنجا نگهداری میگردند.

۶) مطالعات و تحقیقات اختصاصی مرتبط با دو مبارز ساغالانی

ژنرال جعفر کاویان و محمدعلی ساغالانی، مشهورترین چهره های گذشته ساغالان و آزادیخواهان برجسته روستای ما بوده اند. از اینرو نگارنده، به طرق مختلف از حدود سال ۱۳۷۰ به اینطرف کوشیده است، از نامبردگان، بستگانشان و همچنین مبارزات و زندگانی آنها اطلاعات بیشتری بدست بیاورد. همچنین تلاش کرده بود، موقع حیات مارکس با فرزند ژنرال و نوه محمدعلی دیداری حضوری داشته، سئوالات مورد علاقه خود را با وی مطرح نماید. در نهایت نیز یکبار به تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۵، در منزل حاجی محرم حاتمی تازه کند از خویشاوندان مبارزان مذکور، واقع در روستای تازه کند از همسایگان ساغالان، با دعوت شام حاجی موفق به گفتگو و دیدار با مارکس گردیده بود. به گفته حاجی محرم، از دلایل خویشاوندی و رفت و آمد این دو خاندان، یکی هم این بوده که خواهر محمدعلی ساغالانی زن محمود بی جد آنها بوده است که به این موضوع در مبحث دوم هم اشاره گردید. محمود بی هم کسی است که نوه حاتم خان و همریشه با طایفه جاوادلی ساغالان بوده، از آنجا کوچ نموده و روستای تازه کند ابتدائاً مسمی به محمودآباد را بنیان گذاری کرده است. در تایید این موضوع نیز، نام محمودآباد به جای تازه کند کنونی، در نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون مربوط به سال ۱۹۴۳ میلادی که در کتابخانه دانشگاه تگزاس آمریکا نگهداری میشود و در مقاله ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته ماهنامه خداآفرین هم بریده ای از آن چاپ

شده، مشاهده میگردد. همچنین حاجی محرم مانند بیشتر ریش سفیدان طایفه هم‌ریشه شان جاوادلی ساغالان، دو مبارز برجسته مورد بحث را از طایفه خودشان میدانند.

به هر تقدیر، نکات دهگانه زیر از گفته های مارکس کاویان در دیدار منزل حاجی محرم حاتمی حاصل هستند که دو مورد آخر قبلا در نوشته ای تحت عنوان چند خاطره مردم از جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان در شماره ۲۱۱ ماهنامه خداآفرین انتشار یافته اند و با اضافاتی در اینجا هم قید میگردند:

(۱) جعفر کاویان اصلیت ساغالانی داشته، در آن روستا به دنیا آمده، با خانواده اش از آنجا به محله امیرخیز تبریز کوچ نموده است.

همچنین شنیده شده، کاویان قبل از رفتن به تبریز مدتی هم در روستای یالقیز آغاج مرند زندگی کرده است. به هر حال، منزلی که مبارزان مورد بحث در ساغالان زندگی میکرده اند، همانطوریکه در عکس ۱۴ نشان داده شده، کنار میدان آشاغی کوچه آن روستا بوده است. محل اسکان و زندگی ژنرال و به احتمال زیاد محمدعلی در تبریز نیز، کوچه میرزاجان محله امیرخیز بوده است که در شناسنه جعفر کاویان منتشر گشته در کانال مرندیم، بعنوان آدرس منزلشان درج گشته است. در این زمانه، در محله امیرخیز خیابانی بنام میرزاجان در طرف چایکنار وجود دارد و به احتمال زیاد همان کوچه مذکور میباشد که توسعه یافته به خیابان تبدیل گشته است.

(۲) مارکس، عکس محمدعلی ساغالانی و اسرافیل خان (پدر و عموی ژنرال) را دوشادوش هم و کنار ستارخان، باقرخان و دیگر مجاهدان در موبایلش نشان داده، شناساند. موضوعی که از پدرش شنیده بود. او اظهار میداشت، در رمان تاریخی ستارخان نوشته عباس پناهی ماکویی به زبان ترکی آذربایجانی، نقش بارز محمدعلی ساغالانی (معروف به علی دایی) در مبارزات مشروطه منعکس گردیده است. موضوعی که در قسمت دوم مفصلا بحث گردید. مارکس اظهار میداشت، محمدعلی برادری بنام یاور هم داشته، که او هم از مجاهدان ستارخان بوده است.

(۳) نزدیک ترین افراد به کاویانها از طرف پدری که طایفه افراد را مشخص میکند، افرادی با فامیلی زرخواه میباشند. جعفر کاویان با زرخواها که در حال حاضر از فرشچی های بازار کهن تبریز هستند، پسرعمو بوده است. زرخواه های زمان فرقه هم فرشچی بوده اند.

در تماس تلفنی که نگارنده با حاجی رضا زرخواه از افراد مسن فامیلهای زرخواه داشته، او هم به اصلیت ساغالانی داشتندشان اذعان نموده است. حتی گفته است که حاجی مهدی زرخواه جد آنها مغازه ای داشته و اجناس خود را به ساغالانیان ارزنتر میفروخته است! با اطلاعات موجود، این حاجی مهدی بایستی برادر محمدعلی ساغالانی بوده باشد. همچنین، در سالهایی که نگارنده بصورت حق التدریس در دانشگاه آزاد تبریز با گروه کامپیوتر آنجا همکاری داشته، دختر دانشجویی بنام زهرا زرخواه از زرخواهای گفته شده داشته که از او نام پدر حاجی مهدی را تحقیق نموده است. دانشجو هم، بعد از پرس جو از بزرگانیشان اسم باقر ذکر نموده است که بایستی پدر محمدعلی نیز باشد و در بحث دوم هم به این اسم اشاره گردید.

(۴) جعفر کاویان بدلیل مبارزاتی که با رضاشاه داشت، چند بار نام خانوادگی عوض کرده بوده که آخرین آن کاویان بوده است.

(۵) جعفر کاویان عرق ملی زیادی داشت و با کسانی که میخواستند آذربایجان را به تهران وابسته سازند، مبارزه مینمود. در این رابطه هم مارکس میگفت، فارسهای از خراسان رانده شده هم، در حکومت فرقه دمکرات آذربایجان وجود داشته اند و کاویان یک نفر از این جماعت را به خاطر توهین زشتش به ترکها با خطاب ترک خر بشدت تنبیه نموده بود!

به نظر میرسد، پایان غم انگیز و نافرجام مبارزات آزادیخواهانه ستارخان و پدرش محمدعلی در پارک اتابک تهران که به این موضوع در قسمت دوم اشاراتی شد، او را از زیر فرمان تهران ماندن ناامید کرده بود و از جریانات پارک اتابک عبرت گرفته بوده است.

(۶) حیدر علی یف رئیس جمهور قبلی و فقید جمهوری آذربایجان و پدر الهام علی یف رئیس جمهور فعلی آنجا، برای ژنرال کاویان احترام زیادی قائل بوده است. نامبرده چند بار به دیدار او به منزلش در باکو آمده بوده، هنگام آمدنش به ژنرال کاویان احترام نظامی هم میگذاشته است.

(۷) مارکس میگفت، یکبار موقع آمدنش به این طرف ارس، دختری که از ماموران دولتی ایران بود، پاسپورتش را بررسی کرده، مهر نمود و موقع عودت پاسپورتش، به زبان ترکی و با حزن از او پرسید: "بس سیز هاچان وطنه دؤنه جک سیز؟!!" (پس شما کی به وطن بازخواهید گشت!?)

(۸) جعفر کاویان اسناد اعضای فرقه دموکرات را با خودش به باکو برده بود، به امید اینکه در صورت شناسایی از طرف عمال محمدرضاشاه، سند رسمی درمورد آنها موجود نباشد و به مرگ محکوم نشده یا آسیب جدی نبینند. همچنین، جعفر کاویان در چند محل از جمله محدوده اراضی زادگاهش ساغالان سلاح پنهان نموده بود، برای اینکه بدست طرفداران شاه نیافتند. از اسناد گفته شده مارکس در این نکته، برخی در کانال دکتر سیدمرندی هم انتشار یافته اند.

(۹) پدر و مادر کاویان هر دو در شهر قم مدفون میباشند. پدر او محمدعلی ساغالانی، قبل از دوران حکومت فرقه دموکرات در اثر شکنجه شدنهایش پس از دستگیری در حمله پارک اتابک تهران فوت کرده و به قم منتقل شده بود. اما مادر او که زیور نام داشته و اهل روستای کندلج بود، در دوره وزارت پسرش فوت مینماید. کاویان، علیرغم تیرگی روابط حکومتهای تبریز و تهران، جسد مادرش را با همراهی چند نفر به قم ارسال مینماید. در حوالی قم، موقع بازرسی از کاروان فرستاده تبریز، متوجه میشوند که جسد همراه کاروان، مادر یکی از مسئولین رده بالای حکومت آذربایجان است. بنابر این، بازرسان از ورود کاروان جلوگیری نموده، جهت ورود آنها به قم، از تهران خواستار مجوز میشوند. در پاسخ، از تهران با این خواسته بازرسان موافت میشود و بدین ترتیب مادر کاویان هم، در قم دفن میگردد.

(۱۰) در یکی از روزهای حکومت فرقه دموکرات، جعفر کاویان بنا به دلایلی در یکی از مساجد تبریز مجبور به تیراندازی میشود. این کار او موجب اعتراض آیت الله سید محمدکاظم شریعتمداری میشود. اما شریعتمداری بعد از آگاهی از علت تیراندازی و موجه دانستن آن، یک تخته قالی را بعنوان هدیه به منزل کاویان فرستاده، از او دلجویی مینماید. مارکس عکس قالی مذکور را در موبایلش به نگارنده نشان داده بود.

در ادامه این بحث، نکات تکمیلی بیشتری در مورد ژنرال کاویان، ماخوذ از مصاحبه مارکس با سئودا ایسماعیلی در رادیو آزادی (آزادلیق رادیوسی) باکو که به مناسبت هفتاد سالگی ۲۱ آذر سال ۲۰۱۵ میلادی و با عنوان چهره پنهان ۲۱ آذر جعفر کاویان، انجام یافته بود، ارائه میگردند:

(۱) کاویان با پیشه وری، دکتر جاوید، شبستری و پادگان موسسین فرقه دموکرات آذربایجان بوده اند. افراد سرشناس دیگر فرقه مانند محمد بی ریا بعدا به این جمع اضافه شده اند. چهره آشکار ۲۱ آذر هم، میرجعفر پیشه وری بوده است.

(۲) جعفر کاویان، از سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۸ شمسی) با پیشه وری از نزدیک آشنا شده بوده است. به گفته مارکس، مامورین حکومتی رضاشاه در تبریز پیشه وری را دنبال مینمایند و او به خانه کاویان پناه میبرد. کاویان، پیشه وری را در بستر زن زائوی خود که ملاحظت را بدنیا آورده بود، خوابانده بود و بدین طریق او را از دست مامورین رضاخانی نجات میدهد و با هم آشنا میشوند.

(۳) پیشه وری و کاویان هم هدف بوده اند و رابطه آنها غالباً دوستانه بوده است، هر چند در زمان قدرت فرقه، اختلافاتی هم بین آندو رخ داده بود. کاویان، موقع شنیدن خبر وفات پیشه وری پس از یک سانحه مشکوک رانندگی، بسیار بسیار اندوه گین شده بوده است.

(۴) جعفر کاویان، بدلیل فعالیتهايش در دوره رضاشاه، از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۷ (۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶) به مدت ۷ سال در زندان قصر قاجار تهران زندانی گشته بود و در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) از زندان آزاد و همراه خانواده به زنجان تبعید شده بود. ۴ سال در زنجان تبعیدی زندگی میکند، تا اینکه سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) با ورود قوشون روس به زنجان آزاد شده و به تبریز بر میگردد.

(۵) مارکس، غلام یحیی معاون کاویان را خائن و قاتل پیشه وری معرفی میکرد!

اما، دست داشتن روسها در کشته شدن پیشه وری منطقی تر به نظر میرسد.

(۶) از باهم رفتن جعفر کاویان و عباس پناهی ماکویی در دیداری به سراغ پیشه وری و گفتگوی منقول مارکس، میتوان فهمید، کاویان با پناهی ماکویی در باکو روابط دوستانه ای داشته است. پس میشود گفت، رمانویس پناهی محمدعلی ساغالاتی پدر کاویان را میشناخته و با مبارات او حداقل از طریق کاویان آشنا بوده است.

(۷) موقع وفات جعفر کاویان، از طرف حیدر علی یف که بعدها رئیس جمهور جمهوری آذربایجان شد، پیام فرستاده میشود تا او را در خیابان فخری و مزارستان مفاخر و مشاهیر آذربایجان دفن نمایند. اما، خانواده اش جواب میدهند که کاویان را به صورت امانت دفن کرده ایم و موقع مناسب به تبریز خواهیم برد.

(۸) منزلی که جعفر کاویان در آن زندگی کرده بود را میرجعفر باقروف رئیس آذربایجان آن سمت ارس داده بود.

سرانجام، در خاتمه ما، جهت گزارش کاملتر نمودن مطالعاتمان در مورد موضوع، سه خاطره باقیمانده از نوشتار چند خاطره مردم از جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان را با توضیحات تکمیلی در زیر می آوریم:

(الف) در دوره یکساله حکومت فرقه دموکرات در آذربایجان، وزیر جنگ کابینه جعفر پیشه وری فردی از اهالی ساغالان به نام جعفر کاویان بوده است. مردم ساغالان، نام کاویان را اغلب بصورت قاویان (Qaviyan) تلفظ کرده و به خاطر سپرده اند.

مادر بزرگم، مرحومه خانم ربابه زاهدی سهلان، از مهارت تیراندازی و هدف گیری کاویان تعریف میکرد و جوانان مغرور و فخر فروش را با عنوان "آقای قاویان!" خطاب مینمود. استدلال مادر بزرگم این بود که این جوانان هر چند راه طولانی در پیش دارند تا به درجه کاویان برسند، اما در عین حال می خواهند خودشان را در حد او مهم و متشخص جلوه دهند!!

برای من، همواره جای سؤال بود که مادر بزرگ برای خطاب کاویان، بجای لغات خان و بی بومی چرا از کلمه اداری "آقای" استفاده میکرد؟! بعد از دیدن اسناد در مورد کاویان و استفاده از کلمه مزبور برای او، مثلاً در خطاب پیشه وری در سند شکل ۵، موضوع برایم روشن گشت. یعنی، به جای اصطلاح جناب جهت خطاب توام با احترام، از اصلاح آقای در حکومت فرقه استفاده میشده است که طبیعتاً به گویشها هم وارد گشته است.

(ب) جعفر کاویان در دوران مسئولیت خویش، گاهی نیروهای فرقه را در اطراف ساغالان آموزش نظامی می داده است. حاجی محمدعلی دلیری سهلان، یکی از انسانهای مسن ساغالان، در یکی از ایام حکومت فرقه جعفر کاویان را موقع بازگشت از آموزشهای نظامی مشاهده کرده بود که به همراه نیروهایش از داخل روستا عبور میکرده است. به گفته نامبرده که در آنموقع نوجوان بوده، کاویان موقع رسیدن به یکی از منازل مسکونی روستایی توقف کرده، چند گامی به طرف آن حیاط برداشته و اطرافیان خود را متوجه آن خانه مینماید. سپس، مدت کوتاهی ایستاده و گویا گریزی به دوران کودکی خود میزند! در نهایت خطاب به همراهیاناش میگوید: "بورا بیزیم حیطیمیز ایدی! ... " (اینجا حیاط ما بوده است!...)

حیاط مورد بحث این خاطره، منزل محمدعلی ساغالانی و کودکی جعفر کاویان، در سمت راست شکل ۱۴ با نوشته مشکی مشخص شده و یک پسریچه ساغالانی بنام وحید ذاکری نیز در تصویر دیده میشود. این منزل واقع در میدان آشاغی کوچه (کشاورز) در خیابان اصلی ساغالان میباشد که مرحوم حاجی کاظم جمالی نژاد از طایفه حاجی

صادیقلی هم در آن زندگی نموده است. در حال حاضر نیز، حیاط متعلق به وراثت اوست و دارای دو درب است، یکی به میدان نامبرده و دیگری به سمت خیابان اصلی.



عکس ۱۴: ساغانلان، میدان آشاغی کوچه، منزل محمدعلی ساغانلی و جعفر کاویان، وحید ذاکری، بهار ۱۳۹۵

(ج) در یکی از روزهای آخر عمر حکومت فرقه دموکرات، چند نفر از اهالی ساغانلان به نمایندگی از روستائیان به تبریز آمده و به دفتر کاویان مراجعه می کنند. این افراد با احترام پذیرفته شده، با او ملاقات می نمایند. در این دیدار نمایندگان روستا برای یاری به حکومت اعلام آمادگی مینمایند. با وجود این، کاویان به آنها میگوید که او فرجام حکومت را چندان روشن ندیده و پیوستن آنها به فرقه را نیز در این برهه زمانی مصحلت نمیداند. کاویان در آن دیدار متذکر میگردد که اگر عمر دولت بیشتر دوام آورد، ساغانلانیها میتوانند دوباره به وی مراجعه کنند.

موضوع فوق، نشان میدهد که کاویان از معاملات پشت پرده بین آمریکا و شوروی به نفع شاه و فدا کردن فرقه دموکرات آذربایجان، مطلع بوده است.

خاطره بالا، با اختلافاتی جزئی از افراد مسن زیادی در ساغانلان شنیده شده است، از قبیل حاجی شمسعلی حاتمی، حاجی هدایت نیکقدم و مرحوم احمد گواهی سهلان.

منابع:

۱- ژنرالهای آذربایجان (آذربایجان ژنراللاری)، شمیستان نظیرلی

https://www.history.az/pdf.php?item_id=20100105094229997&ext=pdf

<http://www.yadadushdu.az/archive/article/217>

۲- ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۱۱، تهران، ویژه آبان، آذر و دیماه ۱۴۰۱ شمسی

۳- ائل بیلیمی، ویژه نامه ساغالان (سهلان)، شماره ۷۸، تبریز، تیرماه ۱۳۹۵ شمسی

۴- ستارخان، عباس پناهی ماکویی، ترجمه غلام خاتون، انتشارات اختر، تبریز، سال ۱۳۸۸

۵- قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، مهندس کریم طاهرزاده بهزاد، تهران، سال ۱۳۳۳

۶- تاریخ هجده ساله آذربایجان، احمد کسروی، چاپخانه سپهر، تهران، چاپ نهم، سال ۲۵۳۷ شاهنشاهی (۱۳۵۷ شمسی)

۷- تاریخ مشروطیت ایران، احمد کسروی، چاپخانه سپهر، تهران، چاپ شانزدهم، سال ۱۳۶۳

۸- تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، محمدباقر ویجویه، به کوشش علی کاتبی، چاپخانه گهر، تهران، چاپ سوم، سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ شمسی)

۹- مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، ثقة الاسلام تبریزی، گردآوری کننده نصرت الله فتحی، ناشر انجمن آثار ملی، تهران، سال ۱۳۵۵

۱۰- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، مهدی مجتهدی، چاپخانه نقش جهان، تهران، سال ۱۳۲۷

۱۱- علی مسیو (رهبر مرکز غیبی تبریز)، صمد سرداری نیا، انتشارات دنیا، تهران، سال ۱۳۵۹

۱۲- علی مسیو (یکی از قویترین رهبران سیاسی انقلاب مشروطیت و رهبر مرکز غیبی)، رضا همراز، مهد تمدن، تبریز، شماره ۱۶، خرداد ۱۳۹۳

۱۳- روزنامه آذربایجان، شماره ۸۲ دوره دوم، ۲۰ دسامبر سال ۱۹۴۵ (۲۹ آذر ۱۳۲۴)

۱۴- بحران آذربایجان (۱۳۲۵-۱۳۲۴ ش) خاطرات مرحوم آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی، به کوشش رسول جعفریان، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ نخست، تهران، تابستان ۱۳۸۱

۱۵- وبلاگ مرندیم، دکتر میرهدایت سیدمرندی، ژنرال جعفر کاویان، مهرماه ۱۳۹۰

<http://marandim.blogfa.com/post/59/%DA%98%D9%86%D8%B1%D8%A7%D9%84-%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1-%DA%A9%D8%A7%D9%88%DB%8C%D8%A7%D9%86>

۱۶- روزنامه اطلاعات، تهران، تاریخ نشر ۱۳۲۵/۹/۲۷

۱۷- یاندریلان کیتابلار ادبیات گوزگوسونده، رضا همراز، چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۴

• <https://ishiq.net/?p=14057>

۱۸- چند خاطره مردم از جعفر کلویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۱۱، تهران، ویژه آبان، آذر و دیماه ۱۴۰۱ شمسی

۱۹- رادیو آزادی (آزادلیق رادیوسی)، باکو، سال ۲۰۱۵ میلادی

<https://www.azadliq.org/amp/27422741.html>

کانالهای تلگرامی:

۱- مرندیم (@marandim)، دکتر میرهدایت سیدمرندی

۲- قاراجابایجان (@shahrgaracabaycan)، محمدتقی قربانزاده

۳- تورک کیتابخاناسی (@Turkkitabxanasi)، علی طارمی